

## Tote sind nicht immer tot

### مردہ ہا ہمیشہ مردہ نیستند

#### خلاصہ مطالب

در این درس مطلب دستوری تازه ای عنوان نشده است

اصطلاحات مکالمات

etwas nicht wissen:	Weißt du das nicht?
jemandem etwas erklären:	Wie soll ich dir das erklären?

#### اطلاعاتی درباره *Dorotheenfriedhof*

*Dorotheenfriedhof* - یا عبارت دقیق تر *Dorotheenstädtischer Friedhof* گورستان معروف برلن است. این گورستان در بخش شرقی برلن و در نزدیکی *Charité* قرار دارد و به نام همسر یکی از حکام محلی دوره ملوک الطوائفی المان نامیده شده. و *Dorothee* در زبان آلمانی نام زن است. در این گورستان فیلسوف هائی بزرگ مانند *Georg Johann Gottlieb Fichte* و *Wilhelm Friedrich Hegel* نویسنده هائی مانند *Bertolt Brecht* و خانم *Anna Seghers* و *Heinrich Mann* و آهنگساز معروف *Hanns Eisler*. هنرپیشه محبوب خانم *Helene Weigel* و آزادیخواهانی که به مبارزه با رژیم نازی برخاستند مانند *Dietrich Bonhoeffer* و عده دیگری از شخصیت‌های مشهور آلمانی مدفون هستند.

آندره آس علاقه دارد که یکبار این گورستان را ببیند و علت این تمایل را برای اکس توضیح میدهد.

- Andreas: Ich möchte heute auf den *Dorotheenfriedhof* gehen.  
 Ex: Friedhof?  
 Andreas: Dort sind die Toten begraben. Weißt du das nicht?  
 Ex: Und was willst du bei toten Menschen? Mit Toten kann man doch nicht mehr sprechen!  
 Andreas: Ach, Ex! Wie soll ich dir das erklären? Tote sind nicht immer tot, manche leben weiter: in meiner Erinnerung, in ihren Liedern, in ihren Texten. Kommst du mit?  
 Ex: Ja, das möchte ich mal sehen. Ich war noch nie auf einem Friedhof.

اکس و آندره آس در کنار قبر فلاسفه آلمانی "فیشته" و "هگل" قدم میزنند. فیشته واضع مکتب ایده الیسم در فلسفه است که در آن این عقیده کلی ابراز میشود که جهان ساخته و پرداخته روح و فکر بشر است. هگل برعکس او معتقد است که جهان بطور واقعی و ملموس وجود دارد و با دیالکتیک یعنی منطق جدلی میتوان وجود جهان را ثابت کرد.

Ex (میخواند): Johann Gottlieb Fichte, 1762 – 1814.

Georg Wilhelm Friedrich Hegel, 1770 – 1831.

قبر بعدی که این دو از کنار آن میگذرند قبر "برتولت برشت" و همسیر او خانم "هلنه وایگل" است. برشت نمایشنامه نویس و غزلسرای بزرگ المانی است. اندره آس چند بیت از شعر معروف او تحت عنوان "برای آیندگان" را میخواند که برشت آنها در سالهای زندگی در دانمارک (از سال ۱۹۳۳ تا سال ۱۹۳۸) سروده است.

Ex (میخواند): Bertolt Brecht (1898 – 1956)

Andreas: (چند بیت از شعر "برای آیندگان" را میخواند)

Dabei wissen wir doch:

Auch der Haß gegen die Niedrigkeit

Verzerrt die Züge.

Auch der Zorn über das Unrecht

Macht die Stimme heiser. Ach wir,

Die wir den Boden bereiten wollten für Freundlichkeit

Konnten selber nicht freundlich sein.

Ihr aber, wenn es so weit sein wird

Daß der Mensch dem Menschen ein Helfer ist

Gedenkt unsrer

Mit Nachsicht.

خانم "هلنه وایگل" همسر برشت هنرپیشه سرشناس و بزرگی بود. وی با همکاری شوهر خود تاتری بنام "گروه نمایشی برلن" را تأسیس کرد و مدیریت آنها را بعهده گرفت و نمایشنامه های برشت در همین تاتر بروی صحنه میآمد. او آهنگی از نمایشنامه "مادر شهامت و فرزندان او" را که آن نیز اثر برشت است میخواند. این نمایشنامه شرح وقایع جنگ سی ساله و در عین حال قطعه ای آموزنده درباره ماهیت جنگ است. در این نمایشنامه "مادر شهامت" نمونه مردم فقیری است که در زمان جنگ سعی میکند جان خود را از معرکه جنگ نجات دهند.

Ex (میخواند): Helene Weigel-Brecht (1900 – 1971)

Helene Weigel: (قسمت اول و آخر آهنگ "مادر شهامت و فرزندان" را میخواند)

Ihr Hauptleut, laßt die Trommel ruhen

Und laßt eur Fußvolk halten an:

Mutter Courage, die kommt mit Schuhen

In denens besser laufen kann.

Mit seinen Läusen und Getieren

Bagage, Kanone und Gespann –

Soll es euch in die Schlacht marschieren

So will es gute Schuhe han.

Das Frühjahr kommt! Wach auf, du Christ!

Der Schnee schmilzt weg! Die Toten ruhn!

Und was noch nicht gestorben ist

Das macht sich auf die Socken nun.

آندره آس و اکس به قبر "هانس ایزلر" میرسند که همکاری نزدیک با برشت داشت و آهنگساز توانائی بود. در درس رادیوئی آهنگی با صدای خواننده آلمانی خانم "ترزه گیزه" شنیدید که قسمتی از آهنگ موسوم به "آهنگ چرخاب" بود. آهنگ چرخاب فیصده ای در متن نمایشنامه "کله گردها و کله درازها" اثر برشت است که هانس ایزلر برای آن آهنگی ساخته و بطوریکه گفته شد خانم "ترزه گیزه" آنرا اجرا کرده است.

Ex (میخواند): Hanns Eisler, 1898 – 1962  
Therese Giehse : (قطعه ای از برشت با آهنگسازی ایزلر را میخواند)

Ach, wir hatten viele Herren  
Hatten Tiger und Hyänen  
Hatten Adler, hatten Schweine  
Doch wir nährten den und jenen.  
Ob sie besser waren oder schlimmer:  
Ach, der Stiefel glich dem Stiefel immer  
Und uns trat er. Ihr versteht: Ich meine  
Daß wir keine andern Herren brauchen, sondern keine.  
Freilich dreht das Rad sich immer weiter  
Daß, was oben ist, nicht oben bleibt.  
Aber für das Wasser unten heißt das leider  
Nur: daß es das Rad halt ewig treibt.

آخرین قبری که آندره آس و اکس در مقابل آن توقف میکنند قبر نویسنده آلمانی "هاینریش مان" است. هاینریش مان در کالیفرنیا آمریکا بدروود حیات گفت در حالیکه قصد داشت در همان روزها به آلمان برگردد. وی در سال ۱۹۰۵ کتابی نوشت تحت عنوان "پروفسور اونرات" و از روی این کتاب در سال ۱۹۳۰ فیلمی ساخته شد بنام "فرشته آبی" که نقش اول آنرا خانم مارلن دیتریش بازی کرد. در برنامه رادیوئی آهنگی شنیدید بنام "من از سرتا پا وقف عشق هستم" با صدای مارلن دیتریش.

Ex (میخواند): Heinrich Mann, 1871 – 1950

## لغات و اصطلاحات

(لغات مربوط به نوشته های نویسندگان که در این درس نقل شده در ترجمه لغات نیامده است)

der Friedhof	گورستان
die Toten	مرده ها- اموات
manche	بعضی
in meiner Erinnerung	در خاطره من
begraben sein	مدفون بودن
weiterleben	به زندگی ادامه دادن

برای این درس تمرین در نظر گرفته نشده است